



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

# ادراک نوجوانان از سبک های تربیتی والدین در سوئد، ایتالیا و یونان: یک

## مطالعه اکتشافی

### چکیده

تحقیقات مقایسه ای بر روی سبک های تربیتی در میان کشور های مدیترانه ای و اسکاندیناوی هنوز بسیار نادر است علی رغم این که تعداد روز افزونی از مطالعات بر روی سبک های تربیتی والدین در نوجوانان وجود دارد. این مطالعه به بررسی شباهت ها و تفاوت ها در ادراکات گذشته نگرانه نوجوانان از سبک های تربیتی والدین هم برای پدر و هم برای مادر در سوئد، ایتالیا و یونان با استفاده از پرسش نامه ابعاد و سبک تربیتی والدین می پردازد. به ویژه، این مطالعه به بررسی رابطه بین نقش والدین، جنسیت نوجوانان، کشور مبدأ، SES و این ادراکات می پردازد. نوجوانان سوئدی، ایتالیایی و یونانی (N=702، 30.9 درصد سوئدی، 39.6 درصد ایتالیایی و 29.5 درصد یونانی) در مطالعه شرکت کردند. برای آزمون اثرات اصلی، سه تجزیه واریانس 2(والدین: پدر، مادر)\*2(جنسیت: دختر و پسر)\*3(کشور: سوئد، ایتالیا و یونان)\*3(SES) پایین، متوسط و بالا) به صورت جداگانه برای هر سبک تربیتی والدین انجام شد. برای تایید اثرات متقابل، تجزیه واریانس 2(والدین: پدر، مادر)\*2(جنسیت: دختر و پسر)\*3(کشور: سوئد، ایتالیا و یونان)\*3(SES) پایین، متوسط و بالا) بر روی سبک آمرانه تست شدند. در خصوص سبک مستبدانه و آسان گیر دو تجزیه واریانس تجزیه واریانس 2(والدین: پدر، مادر)\*2(جنسیت: دختر و پسر)\*3(کشور: سوئد، ایتالیا و یونان)\*3(SES) پایین، متوسط و بالا) تست شد. مادران در مقایسه با پدران بیشتر به صورت سبک آمرانه، مستبدانه و آسان گیر تلقی شدند. به علاوه، پسران بیشتر از دختران تصور می کردند که والدین آن ها آمرانه تر و آسان گیر تر رفتار می کنند. والدین سوئدی نسبت به ایتالیایی و یونانی کم تر به صورت آمرانه در نظر گرفته شدند و نسبت به والدین ایتالیایی از آسان گیری کم تری برخوردار بودند. والدین یونانی کم تر مستبدانه و بیشتر آسان گیر نسبت به والدین ایتالیایی بودند. این مطالعه اطلاعات خوبی در خصوص سبک تربیتی والدین ارائه کرده و نشان می دهد که چگونه قوانین کشور در خصوص موضوع خانواده و SES با ادراک از رفتار های تربیتی والدین ارتباط دارد.

## لغات کلیدی: نوجوانان، سبک های تربیتی والدین، PSDQ، مقایسه کشور، فرهنگ

بر طبق گفته دارلینگ و اشتنبرگ (1993)، سبک های تربیتی والدین به صورت مجموعه ای از نگرش ها در قبال فرزند است که با کودک ارتباط برقرار کرده و یک فضای احساسی را ایجاد می کند که در آن رفتار های والدین بیان می شود (صفحه 493). در منابع و مطالعات، سبک های تربیتی والدینی مطالعه شده شامل سبک های آمرانه، مستبدانه و سبک های آسان گیر هستند (بامریند 1991، مولینن، رامسن و پادیلواوالکر 2014، الیویری، تاگلیبو و کانفرنی 2013). والدین با سبک آمرانه سخت گیر و واکنشی هستند. آن ها مشارکت فرزندان را در زندگی خانوادگی از طریق رفتار های دموکراتیک، اعتماد و پشتیبانی از فرزندان و کنترل آن ها بدون این که محدودیت برای آن ها ایجاد کنند افزایش می دهند. والدین مستبد یا قدرت طلبی بسیار سخت گیر می باشند با این حال واکنشی نمی باشند. آن ها کنترل بالایی بر فرزندان خود داشته و آن ها را از طریق روش های انضباطی تنبیهی و سخت آموزش می دهند. والدین آسان گیر به شدت واکنشی هستند ولی سخت گیر نمی باشند. آن ها فرزندان خود را کنترل نمی کنند و تعداد معدودی قوانین وضع می کنند و به گرمی فرزندان و رفتار های آنها را می پذیرند. مادران و پدران به سبک های تربیتی مطلوب خود با واکنشی بودن یا نبودن در قبال فرزندان خود شکل می دهند (کانفرانی و همکاران 2010). تحقیقات مربوط به سبک تربیت والدین بر مطالعه سبک های تربیتی کلی تاکید داشته و فرض می کنند که هم پدر و هم مادر از سبک های مستقل و یکسان استفاده می کنند و یا این که بر سبک تربیتی مادران متمرکز بوده و نقش پدر نادیده گرفته می شود (سی بست، کانگر و سیمون 1996، پارک 2000، رانر و بریتنر 2002، سنتنس، ونسترا، لیندبرگ و رهاست و ارمل 2009).

بر طبق مدل بلسکی در خصوص عوامل موثر بر تربیت والدین (بلسکی 1984)، و تئوری سیستم اکولوژیکی بروننبرنر (بروننبرنر 1976)، شرایط اجتماعی نقش مهمی ایفا می کند که یا موجب پشتیبانی و یا موجب سرکوب رفتار ها و شیوه های تربیتی می شود. محققان از دیر باز استدلال کرده اند که سبک های تربیتی والدین تحت تاثیر وضعیت اجتماعی اقتصادی است و برخی مطالعات این فرض را تایید می کنند (هاف، لارسن و تاردیف 2002). بروننبرنر (1958) خاطر نشان کرده اند که در روابط فرزند-والدین در کلاس های کارگر، یک نوع شیوه اطلاعات و انضباط وجود دارد. چن، دانگ و زو (1997) خاطر نشان کرده اند که روابط فرزند-والدین در خانواده

های طبقه متوسط بیشتر به صورت عدالت گرا و پذیرا می باشد در حالی که در خانواده های کارگر آن ها به سمت یک نوع نظم و انضباط میل دارند. شواهد بیشتر را می توان از مطالعات وان در لیپ (1999) یافت که نشان دادند مادران با تحصیلات کمف یگ سبک تربیتی کم تر مقتدرانه را در مقایسه با مادران تحصیل کرده دارند. اخیراً، واردن و کارلسون (2005) و نیز گارسیا و هرور (2008) پیشنهاد کرده اند که والدین با تحصیلات بیشتر به احتمال زیاد تنبیه بدنی کودکان را رد می کنند.

علاوه بر نقش ایفا شده توسط SES، شواهد تجربی قوی ای وجود دارد که نشان می دهد والدین از فرهنگ ها و کشور های مختلف می توانند برخی ارزش ها و اهداف تربیت فرزندگی خاص را اتخاذ کنند و بر اساس آن سبک های تربیتی مناسب را توسعه دهند (برنشتاین 1995، هارکنس، ساپر و وان تیجن 2000، هاروود، هندورکر، شولمریچ و لیندکر 2001). در کشور های مختلف، قوانین کشوری در خصوص موضوع خانواده به عنوان یکی از عناصر زمینه اجتماعی می تواند اثر غیر مستقیمی بر روی رفتار های والدین داشته باشد (گاربارینو، وراسی و کستلی 2002). علی رغم توجه روز افزون به تحقیقات مربوط به سبک تربیتی در طی کودکی و نوجوانی (اولیواری 2013)، مطالعات کمی به بررسی مسائل فوق در کشور های اروپایی پرداخته اند (کیلور، بونینو و بوسما 2008)، این در حالی است که هیچ گونه داده های مقایسه ای برای کشور های اسکاندیناوی و مدیترانه ای وجود ندارد. به خصوص، سوئد، ایتالیا و یونان دارای سیاست ها و قوانین مختلفی در خصوص نقش خانواده در آموزش و تربیت فرزندان هستند و این عناصر در سیاست گذاری بر فضای خانواده و مسئولیت های خانواده اثر دارد. جدول 1 اطلاعات در خصوص قوانین، هنجار های فرهنگی و ارزش های مربوط به تربیت والدین را خلاصه می کند و نتایج اصلی در خصوص سبک های تربیتی برای هر یک از این سه کشور ارائه می شود.

#### تحقیقات بر روی سبک های رهبری

مطالعه اخیر توسط (تریفان، استاتین، تیلتون ویور 2014) به بررسی تغییرات در شیوه های تربیتی مقتدرانه سوئدی در طی 50 سال پرداخته اند. نتایج نشان می دهد که سبک های تربیتی مقتدرانه به شدت کاهش یافته است و این که خانواده ها به سمت الگوی تربیتی تساوی گرایی حرکت کرده اند. به علاوه، تحقیقات بر روی شیوه های تربیتی کاهشی را در استفاده از روش های تنبیهی نشان می دهد (دورانت، روز کرانسور، بروبرگ 2003، استراس 2010).

مطالعه اخیر ( کانفالنویری و همکاران 2010) به بررسی و مقایسه نوجوانان مناطق شمالی و جنوبی در خصوص سبک های تربیتی مادری و پدری پرداخته اند. این مطالعه نشان داد که نوجوانان ایتالیایی والدین خود را مستبد می دانند تا مقتدر و آسانگیر. با در نظر گرفتن جنسیت فرزندان، مشاهده شد که پسران بیشتر از دختران والدین خود را به صورت مستبد و مقتدر فرض می کنند.

والدین یونانی به چهار نوع تقسیم بندی شدند: مستبد، مقتدر، آسان گیر و سخت گیر ( انووپولوس و تیتاس 2011، مادریکای-کاسکوری 2009). سبک سختگیرانه، ویژگی های هر دو سبک های مستبد و مقتدر را با هم دارد. والدین سخت گیر والدینی هستند که فرزندان را همانند والدین مستبد، نقد، سرزنش و تنبیه می کنند. آن ها فرزندان خود را تنبیه می کنند و سعی می کنند تا رفتار آن ها را بهبود بخشند. آن ها بر فرزندان خود تاکید می کنند که بایستی از قوانین خانواده تبعیت کنند. ویژگی های رفتاری فوق در رفتار والدین مقتدر دیده نمی شود. مطالعه اخیر توسط انتوپولو، الکوپولوس و ماریداکی-کاستاکی 2012 به بررسی نقش پدران یونانی در رشد روانی فرزندان پرداختند و نشان دادند که کودکانی که پدران خود را به صورت مقتدر می دانند دارای سطح بالایی از همدلی و عزت نفس در مقایسه با کودکانی که والدین خود را مستبد می دانند می باشند.

از این روی، هدف این مطالعه بررسی تشابهات و تفاوت ها در ادراک گذشته نگرانه نوجوانان از سبکهای تربیتی آمرانه، مقتدرانه و آسان گیر برای پدران و مادران در سوئد، ایتالیا و یونان با در نظر گرفتن نقش بالقوه قانون هر کشور در امور خانواده در تاثیر گذاری بر سبک های تربیتی در سه کشور مختلف است. به خصوص، هدف اصلی این مطالعه بررسی رابطه بین نقش والدین، جنسیت فرزندان، کشور مبدأ، SES و ادراک های فوق است.

## روش

### شرکت کننده ها

شرکت کننده ها شامل 805 نوجوان ( 279 سوئدی، 301 ایتالیایی و 225 یونانی) بودند که پرسش نامه ای را در مورد رفتار های تربیتی والدین در کودکی شان پر کردند. داده های مربوط به 702 نوجوان ( 87.20 درصد نمونه: 46.4 درصد پسران و 53.6 درصد دختران، 30.9 درصد سوئدی، 39.6 درصد ایتالیایی و 29.5 درصد یونانی) که بومی کشورشان بودند در نظر گرفته شد که به حداقل 60 درصد آیتم ها در خصوص هر دو پدر و مادر

پاسخ دادند. داده های مفقود مربوط به گزینه های انفرادی از طریق تحلیل EM محاسبه شدند (دمپستر، لیرد، رابین 1977). نوجوانان دارای سن 16 تا 19 سال بودند و در دبیرستان تحصیل می کردند. جدول 2 پروفیل جمعیت شناختی نوجوانان شرکت کننده را نشان می دهد.

Country	Legislation	Cultural norms and values related to parenting	Research on parenting styles
Sweden	In 1979, it was the first country in the world to pass legislation prohibiting the use of physical punishment and other forms of insulting treatment toward children (Durrant, 2003). Corporal punishment was explicitly prohibited in an amendment to the Parenthood and Guardianship Code which states (art. 6:1): "Children are entitled to care, security and a good upbringing. Children are to be treated with respect for their person and individuality and may not be subjected to corporal punishment or any other humiliating treatment."	The political sphere directs a great deal of resources towards ensuring gender equality in family, where mothers and fathers share equal responsibilities and opportunities in their children's education (Åland, Haas, & Hwang, 2007; Harkness et al., 2001). The Swedish legislation has contributed to the formation of a negative attitude toward physical punishment in Sweden (Deley, 1988; Durrant, Broberg, & Rose-Krasnor, 1999). According to Sorbring and Gurdal (2011), Swedish parents hold more progressive, in terms of valuing autonomy, than authoritarian attitudes. They emphasize the children's rights to express themselves and their opinions; they see the children as individuals with their own rights and own potential and support them in their skills and potential.	A recent study (Trifan, Stattin, & Tillon-Weaver, 2014) examined changes in authoritarian Swedish parenting practices across 50 years. The findings suggest that authoritarian parenting practices have declined strongly and that family environments have moved toward a more egalitarian pattern. Moreover, research on parenting practices has shown a decrease in the use of punitive parenting practices (Durrant, Rose-Krasnor, & Broberg, 2003; Straus, 2010).
Italy	In 1996, a Supreme Court judgment outlawed all violence in child-rearing (Judge Ippolito, Supreme Court of Cassation, 18 March 1996). Article 571 of the Criminal Code of 1975 states: "Whoever misuses means of correction or discipline to harm a person subject to his authority, or entrusted to him for purposes of education, instruction, treatment, supervision or custody ... shall be punished." The offence of abuse of correctional methods is applicable if there is a relationship of authority between the abuser and the abused, if the abuse results in physical or mental injury, and if it involves illegitimate correctional methods. Since then, corporal punishment is no longer a legitimate method of discipline. However, there has been no law reform to confirm the judgment in legislation by amending/repealing Article 571 or enacting explicit prohibition of corporal punishment in the home, though a number of bills have been proposed over the years.	During the last 20 years, a passage from the "ethical family" to the "affective family" occurred among Italian culture. In the "ethical family," there were strict rules and boundaries among the generations. The parents' roles were different: the mother was devoted to the care of children and the father was focused on providing rules and transmitting values (Confalonieri et al., 2010). Nowadays, in the affective family both mothers and fathers identify their main function as ensuring the care for the children, no more providing rules of conduct and focusing only on the transmission of love, to raise "happy" children (Pietropolli Charmet, 1995, 2000; Scabini & Cigoli, 2000). This parental change seems to involve more the fathers (Bacchini, Galiani, Guemera, & Sbandi, 2003) who seem to have left their ethical tasks, moving on to the affective tasks that traditionally belong to the maternal figure.	A recent study (Confalonieri et al., 2010) examined and compared adolescents coming from northern and southern areas as to their perceptions about paternal and maternal parenting styles. The study found that Italian adolescents perceive their parents as being more authoritative than authoritarian and permissive. Considering the adolescent gender, it found that boys perceived their parents as more authoritarian and permissive than girls.

Country	Legislation	Cultural norms and values related to parenting	Research on parenting styles
Greece	In 2006, legislation against corporal punishment within the family context was approved. Article 4 of Law 3500/2006 on the Combating of Intra-family Violence (in force 2007) states: "Physical violence against children as a disciplinary measure in the context of their upbringing brings the consequences of Article 1532 of the Civil Code." Article 1532 of the Civil Code addresses abuse of parental authority.	The country has been described as a collectivist society (Hofstede, 1980) in which persons are considered integral members of larger social networks (Georgas, 1993; Georgas, Berry, Shaw, Christakopoulou, & Mylonas, 1999; Greenfield & Suzuki, 1998). According to Zervides and Knowles (2007), traditional Greek culture enhances family loyalty, adherence to group norms and maintenance of harmony in relationships with group members. It has been suggested that this type of value system is linked to severe and controlling child-rearing practices (Rosenthal, 1984), underlying the importance of conformity and obedience to parental rules (Pappa, Walker, Triantafyllidis, & Trimbolis, 1995; Sprott, 1994; Szapocznik & Kurtines, 1993; Triandis, 1989).	Greek parents were categorized into four types: authoritative, authoritarian, permissive and strict (Antonopoulou & Tsalas, 2011; Mandaki-Kassotaki, 2005). The strict style brings together features from the authoritarian and the authoritative styles. Strict parents are the parents who criticize, scold and punish their children as authoritarian parents do. They, however, explain to their children why they punish them and try to improve their behavior. They emphasize to their children that it is important to follow the rules of the family. The above behavioral features are lacking in the behavior of the authoritarian parents. A recent study (Antonopoulou, Alexopoulos, & Mandaki-Kassotaki, 2012) investigated the role of Greek fathers in the psychosocial development of children, showing that the children who perceived their fathers as authoritative had higher levels of empathy and self-esteem compared to children who perceived their fathers as being authoritarian.

Characteristic	Country					
	Sweden (N = 279)		Italy (N = 301)		Greece (N = 225)	
	<i>n</i>	%	<i>n</i>	%	<i>n</i>	%
<b>Type of school</b>						
Theoretical <sup>a</sup>	117	53.9%	110	39.6%	137	66.2%
Caring <sup>b</sup>	56	25.8%	0	0	0	0
Technical <sup>c</sup>	44	20.3%	168	60.4%	70	33.8%
<b>SES</b>						
Low	44	20.6%	18	7.2%	35	17.0%
Medium	78	36.4%	172	68.8%	47	22.8%
High	92	43.0%	60	24.0%	124	60.2%
	<i>M</i>	<i>SD</i>	<i>M</i>	<i>SD</i>	<i>M</i>	<i>SD</i>
<b>Age (years)</b>	17.06	.69	16.98	.87	17.22	.98

<sup>a</sup>Learning-goal centred school prepares students to enter the university. <sup>b</sup>Social goal centred school strengthens students' social skills.

<sup>c</sup>Learning-goal centred school prepares students to enter technical schools.

## جدول 2

Effects	<i>F</i>	<i>df</i>	$\eta^2$
Parent	122.17***	1, 661	.16
Country	2.46	2, 661	.01
SES	4.56*	2, 661	.01
Parent*Country	6.62**	2, 661	.02
Parent*SES	0.06	2, 661	
Country*SES	1.39	4, 661	.01
Parent*Country*SES	1.49	4, 661	.01

\* $p < .05$ . \*\* $p < .01$ . \*\*\* $p < .001$ .

## جدول 3

SES	Country							
	Sweden		Italy		Greece		Total	
	<i>M</i>	<i>SD</i>	<i>M</i>	<i>SD</i>	<i>M</i>	<i>SD</i>	<i>M</i>	<i>SD</i>
<b>Father</b>								
Low	3.38	0.91	3.19	0.74	3.12	0.82	3.25	0.85
Medium	3.67	0.75	3.32	0.80	3.31	1.01	3.41	0.83
High	3.53	0.84	3.36	0.78	3.62	0.74	3.53	0.79
Total	3.55	0.83	3.32	0.79	3.46	0.84	3.44	0.82
<b>Mother</b>								
Low	3.66	0.83	3.48	0.61	3.56	0.66	3.59	0.73
Medium	3.76	0.71	3.66	0.64	3.84	0.72	3.71	0.68
High	3.77	0.79	3.68	0.60	3.98	0.54	3.85	0.66
Total	3.74	0.77	3.65	0.63	3.88	0.62	3.75	0.68

## جدول 4

## ابزار های تحقیق

ویژگی های اجتماعی-جمعیت شناختی: به شرکت کننده ها یک پرسشنامه اجتماعی جمعیت شناختی داده شد تا اطلاعات را در مورد جنسیت، سن، ملیت، مدرسه و سطح تحصیلات والدین ارائه کنند. این شاخص آخری برای محاسبه متغیر سه سطحی Ses استفاده شد: پایین (هر دو والدین تنها تحصیلات ابتدایی و راهنمایی داشتند یا این که یکی از آن ها در دبیرستان بوده است)، متوسط (وقتی که هر دو والدین مدرک دبیرستان داشتند و یا یکی از آن ها مدرک ابتدایی و راهنمایی و یکی وارد دانشگاه شده بود) و بالا (هر دو دانشگاهی بوده و یا زمانی که یکی از آن ها دبیرستان بوده و یا یکی دانشگاهی باشد).

**پرسشنامه های سبک ها و ابعاد تربیتی:** نسخه گذشته نگرانه PSDQ (راینسون، ماندلکو، السن و هارت 1995، 2001، تگلیبو، الیواری، باکینی، افسو و کالفرونی 2014) ترجمه شده و به زبان کشور مربوطه تنظیم شد. هر کشور از یک روش ترجمه خاصی برخوردار بود. در ابتدا، ترجمه های مستقل انجام شد و سپس PSDQ توسط دو روان شناس انگلیسی زبان ترجمه شد. به نوجوانان گفته شد که "لیستی از رفتار هایی که والدین با فرزندان خود نشان می دهند برای شما ارائه شده است. لطفا کمی به گذشته برگردید و کودکی خود را به یاد بیاورید و روابطه شما با والدین را مرور کنید و نشان دهید که رفتار پدر و مادرتان با شما چگونه بوده است. PSDQ متشکل از 62 ایتم می باشد که سه سبک رهبری مربوطه را ارزیابی می کند. 27 ایتم مربوط به سبک رهبری مقتدرانه بود (برای مثال والدین من من را تشویق می کنند تا در مورد مشکلاتم صحبت کنم، و آلفا کرونباخ آن برابر با 0.91-0.96 بود. 20 ایتم مربوط به سبک مستبدانه بود (برای مثال والدین من در صورت سوء رفتار به من سیلی می زنند، و آلفا کرونباخ آن برابر با 0.83-0.87 بود و 15 ایتم مربوط به سبک آسان گیر بود) برای مثال، والدین من به من تنبیه را یاد اوری می کنند ولی در واقع من را تنبیه نمی کنند و آلفا کرونباخ آن برابر با 0.50-0.71 بود. دو نسخه ارزیابی شد، اولین مورد مربوط به سبک تربیتی پدر و دومین مورد مربوط به سبک تربیتی مادر بود. نوجوانان بایستی با مقیاس 5 نقطه ای 1 تا 5 (هرگز تا همیشه) پاسخ می دادند. برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص روایی و پایایی PSDQ، به مقاله الیواری و همکاران (2013) مراجعه کنید.

روش



شرکت کننده ها از دبیرستان های یونان، ایتالیا و سوئد انتخاب شدند. هدف این مطالعه به ناظم و مدیران کلاس مطرح شد تا بتوان از آن ها مجوز گرفت. به علاوه در یونان و ایتالیا، والدین یک رضایت نامه کتبی را به فرزندان دادند در حالی که در سوئد والدین برای فرزندان بالای 15 سال رضایت نامه ندادند. مجوز انجام مطالعه در ایتالیا و سوئد کسب شد در حالیکه این مجوز در یونان لازم نبود. دانش آموزان شرکت کننده از اهداف و اهمیت مطالعه و مشارکت خود آگاه شده و دستور العمل های مناسب را برای تکمیل پرسش نامه در کلاس های خود دریافت کردند. دانش آموزان پرسش نامه ناشناس را در طی درس های دبیرستان در حضور محققان کامل کردند. تکمیل پرسشنامه 45 دقیقه به طول کشید.

### نتایج

سه تجزیه واریانس 2(والدین: پدر،مادر)\*2(جنسیت: دختر و پسر)\*3(کشور: سوئد، ایتالیا و یونان)\*3(SES) پایین، متوسط و بالا) به صورت جداگانه برای هر سبک تربیتی والدین انجام شد. تنها برای اثرات اصلی در این مدل به دلیل تعداد کم موارد درون سلول های اثرات متقابل تست شدند. در خصوص سبک مقتدرانه و آمرانه، اثرات اصلی والدین ( $F(2, 664) = 137.66, p < .001; \eta^2 = .17$ )، کشور ( $F(1, 664) = 7.42, p < .01; \eta^2 = .02$ )، و ( $F(2, 664) = 5.60, p < .01; \eta^2 = .02$ ) SES معنی دار بودند. در خصوص سبک مستبدانه، اثرات اصلی والدین ( $F(1, 664) = 8.18, p < .01; \eta^2 = .01$ )، کشور ( $F(2, 664) = 19.60, p < .001; \eta^2 = .06$ )، جنسیت ( $F(1, 664) = 6.20, p < .05; \eta^2 = .01$ )، معنی دار بودند. در خصوص سبک آسان گیر، اثرات اصلی والدین ( $F(1, 664) = 6.66, p < .05; \eta^2 = .01$ )، کشور ( $F(2, 664) = 70.25, p < .001; \eta^2 = .17$ ) و جنسیت ( $F(1, 664) = 5.80, p < .05; \eta^2 = .01$ ) معنی دار بودند. برای تایید اثرات متقابل، تجزیه واریانس 2(والدین: پدر،مادر)\*2(جنسیت: دختر و پسر)\*3(کشور: سوئد، ایتالیا و یونان)\*3(SES) پایین، متوسط و بالا) بر روی سبک آمرانه تست شدند. در خصوص سبک مستبدانه و آسان گیر دو تجزیه واریانس تجزیه واریانس 2(والدین: پدر،مادر)\*2(جنسیت: دختر و پسر)\*3(کشور: سوئد، ایتالیا و یونان)\*3(SES) پایین، متوسط و بالا) تست شد(جدول 5 و 6).

Effects	Authoritarian			Permissive		
	F	df	$\eta^2$	F	df	$\eta^2$
Parent	7.45**	1, 696	.01	6.63*	1, 696	.01
Gender	6.46*	1, 696	.01	5.21*	1, 696	.01
Country	23.66***	2, 696	.06	72.97***	2, 696	.17
Parent* Gender	0.47	1, 696		0.01	1, 696	
Parent*Country	4.47*	2, 696	.01	2.35	2, 696	
Gender*Country	1.75	2, 696		.98	2, 696	
Parent*Gender*Country	.55	2, 696		3.01	2, 696	

\* $p < .05$ . \*\* $p < .01$ . \*\*\* $p < .001$ .

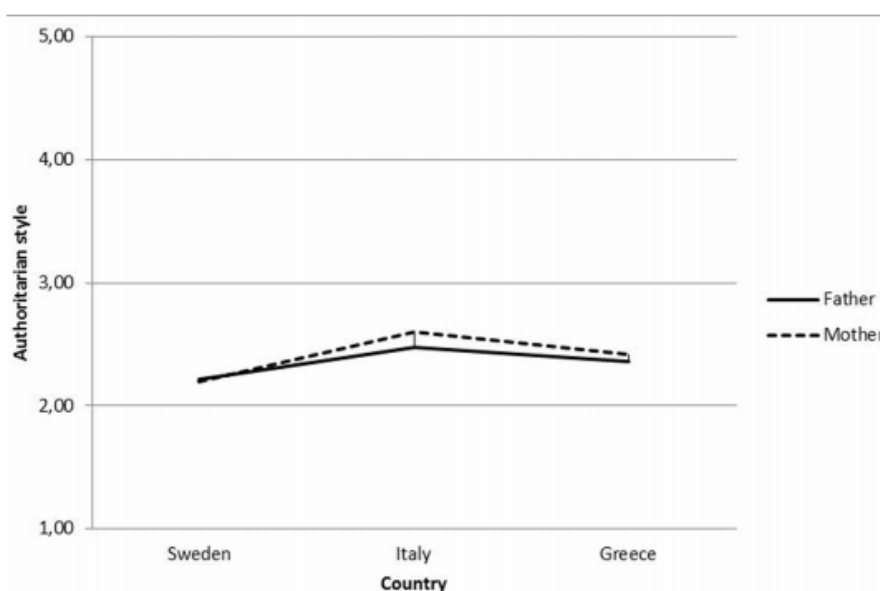
### جدول 5

Parenting Style	Country							
	Sweden		Italy		Greece		Total	
	M	SD	M	SD	M	SD	M	SD
<b>Father</b>								
Authoritarian								
Girl	2.15	0.49	2.39	0.61	2.36	0.64	2.30	0.59
Boy	2.30	0.56	2.58	0.64	2.36	0.56	2.43	0.60
Total	2.22	0.52	2.48	0.63	2.36	0.60	2.36	0.60
Permissive								
Girl	2.23	0.39	1.83	0.49	2.33	0.45	2.10	0.50
Boy	2.32	0.51	1.98	0.50	2.31	0.37	2.18	0.49
Total	2.27	0.45	1.90	0.50	2.32	0.41	2.14	0.50
<b>Mother</b>								
Authoritarian								
Girl	2.13	0.45	2.55	0.59	2.42	0.59	2.37	0.58
Boy	2.29	0.62	2.66	0.60	2.41	0.55	2.47	0.61
Total	2.20	0.54	2.60	0.59	2.41	0.57	2.42	0.59
Permissive								
Girl	2.27	0.42	1.86	0.46	2.35	0.41	2.13	0.49
Boy	2.31	0.61	1.98	0.52	2.42	0.38	2.21	0.54
Total	2.29	0.51	1.91	0.49	2.39	0.40	2.17	0.52

### جدول 6

در خصوص سبک مقتدرانه، اثر اصلی معنی دار برای والدین (مادران مقتدرانه تر از پدران هستند) و SES مشخص شد در حالی که اثر متقابل معنی دار برای والدین\* کشور (به جدول 3 و 4 مراجعه کنید) مشاهده شد. تحلیل بنفرونی در خصوص اثر اصلی SES نشان داد که والدین با SES بالا آمرانه تر از والدین با SES پایین هستند. به علاوه، علی رغم معنی داری اثر متقابل والدین\* کشور، تحلیل آزمون تی جفت شده بر روی م متغیر والدین انجام شده و تفاوتی را با اثر اصلی نشان نداد و به طور جداگانه هر یک از سه کشور را در نظر گرفت. در خصوص سبک مستبدانه، یک اثر اصلی معنی دار برای والدین، جنسیت و کشور مشاهده شد، در حالی که اثر معنی دار متقابل برای والدین\* کشور مشاهده شد (جدول 6 و شکل 1). آزمون تی مستقل نشان داد که پسران نوجوان، والدین

خود را مستبد تر از دختران می دانند. تحلیل بون فرونی در خصوص اثر اصلی کشور نشان داد که والدین سوئدی، ماهیت مستبدانه کم تری از والدین ایتالیایی و یونانی دارند و این که والدین یونانی کم تر مستبدانه رفتار می کنند  $p < .01$ ,  $p < .15$ -. تحلیل آزمون تی جفت شده بر روی والدین به طور جداگانه با در نظر گرفتن سه کشور نشان داد که تنها تفاوت معنی دار برای ایتالیا مشخص شد که در آن پدران کم تر از مادران به صورت مستبدانه در نظر گرفته شدند ( $t(277) = -3.87, p < .001$ ). در خصوص سبک آسان گیر، تنها اثرات اصلی برای والدین (مادران نسبت به پدران آسان گیر تر بودند)، کشور و جنسیت مشاهده شد. تحلیل تی مستقل نشان داد که پسران نوجوان مادران ( $t(700) = -2.18, p < .05$ ) و پدران ( $t(700) = -2.26, p < .05$ ) خود را بیشتر از دختران آسان گیر می دانند. تحلیل بن فرونی در خصوص اثر اصلی کشور نشان داد که والدین سوئدی و یونانی آسان گیر تر از والدین ایتالیایی هستند.



شکل 1

## بحث

توجه کمی در منابع به بررسی تفاوت بین سبک های تربیتی در میان کشورهای نروژ اسکانديناوی صورت گرفته است. این مطالعه به بررسی شباهت ها و تفاوت ها در ادراکات گذشته نگرانه نوجوانان از سبک های تربیتی والدین هم برای پدر و هم برای مادر در سوئد، ایتالیا و یونان با استفاده از پرسش نامه ابعاد و سبک تربیتی والدین می پردازد. به ویژه، این مطالعه به بررسی رابطه بین نقش والدین، جنسیت نوجوانان، کشور مبدأ، SES و این ادراکات

می پردازد. به علاوه این مطالعه به بررسی سبک های تربیتی پدر و مادر می پردازد زیرا در منابع این سبک ها بیشتر به مادران نسبت داده شده اند و پدران در این رابطه نادیده گرفته شده اند (گی و همکاران 1996، پارک 2000، رانر و بریتنر 2002، سنتنس و همکاران 2009). آماره های توصیفی نشان داد که در سوئد، ایتالیا و یونان، سبک مدیریتی بر اساس هر دو ادراک دختران و پسران توسط هر دو والدین پذیرفته شده است در همه سه کشور، قوانین و سیاست های مربوط به نقش خانواده در آموزش و تربیت فرزند بر اهمیت والدین در تربیت بچه ها با رفتار احترام آمیز با آن ها، پشتیبانی و حفاظت از آن ها تاکید داشته اند و این مانع از تنبیه فیزیکی به صورت یک روش انضباطی می شود. در سطح فیزیولوژیکی، این پیشنهادات دولتی همراه با عناصر دیگر (شخصیت، روابط زناشویی، کار و شبکه اجتماعی) که بر رفتار های تربیتی اثر دارد (بلکس 1984، برونفربرنر 1979)، در استفاده والدین از سبک های تربیتی دیده می شود که رفتار دموکراتیک و احترام به نیاز های فرزندان را شامل می شود. دیگر نتیجه جالب این است که نوجوانان تصور می کنند که مادرانشان ماهیت آمرانه تر، مستبد تر و آسان گیر تر از پدرانشان است. دلیل این نتیجه می تواند این باشد که علی رغم نقش پر رنگ پدران در آموزش کودکان، وظایف تربیتی از نظر بچه ها بر عهده مادر است تا پدر. به علاوه نتایج هیچ گونه تفاوتی را در ادراک ها در مورد سبک مقتدرانه بین پسران و دختران نشان نداد. با این حال، پسران، مادران و پدران خود را نسبت به دختران بیشتر مقتدرانه، مستبدانه و آسان گیر تلقی کردند این داده ها با نتایج قبلی هم خوانی دارد و نشان می دهد که نوجوانان پسر در قیاس با دختران نمرات بالاتری را برای سبک های تربیتی منفی نشان دادند (برند و همکاران 2011). این داده ها منعکس کننده مشکلات والدین در استفاده از رویکرد های تربیتی دموکراتیک با پسران است. مطالعات بیشتر بایستی بیشتر به این موضوع بپردازند. در خصوص سبک تربیتی مستبدانه، نوجوانان سوئدی بر این باورند که والدین آن ها این سبک را کم تر در مقایسه با نوجوانان ایتالیایی و یونانی استفاده می کنند. استفاده محدود از روش های تربیتی مستبدانه در سوئد را می توان به سنت تربیت مساوات طلبانه در سوئد نسبت داد (کی 1995). در مقایسه با نوجوانان سوئدی و یونانی، ایتالیایی ها والدین خود را بیشتر مستبد می دانستند. به علاوه آن ها بر این باور بودند که پدرانشان، یک سبک تربیتی کم تر مستبدانه تر را در مقایسه با مادرانشان اختیار می کند. (باکینی 2003). می توان فرض کرد که در حال حاضر مادران از شیوه های مستبدانه برای تربیت فرزند استفاده می کنند. در نهایت نوجوانان سوئدی و یونانی سطوح بالاتری از سبک های آسان گیر را برای پدران

و مادران خود در مقایسه با ایتالیایی ها گزارش کردند. این یافته ها با نتایج دیگر هم خوانی دارد که نشان می دهد والدین سوئدی رفتار صبورانه تری در خصوص نافرمانی کودک دارند (دیورانت 1999) و بیانگر استفاده از یک سبک تربیتی آسان گیرانه است. در این مطالعه ما به بررسی رابطه بین سبک های SES و تربیت می پردازیم. مطابق با مطالعات قبلی (برونفربر 1958، چن و همکاران 1997، وان در لیپ 1999) والدین با سطح تحصیلات بالا، ماهیت مقتدرانه تری نسبت به افراد با سطح پایین تحصیلات در هر سه کشور فوق دارند. بر عکس در این مطالعه والدین با سطح تحصیلات پایین ماهیت مستبدانه تری نسبت به افراد با سطح تحصیلات بالا نداشتند. این مطالعه دارای چندین محدودیت است. اولاً، این یافته ها بر اساس یک مطالعه همبستگی هستند از این روی بایستی در زمان نتیجه گیری احتیاط کرد. دوماً، PSDQ امکان ارزیابی هر سه سبک تربیتی پدری و مادری فوق را فراهم می کند با این حال سبک تربیتی آسان گیر در یونان دارای الفای کرونباخ پایین تری بود. سوماً، در این مطالعه ما SES را توسط یک شاخص، چند شاخص یا شاخص های ترکیبی اندازه گیری کردیم که اطلاعات کامل تری را ارائه می کند. مطالعات بیشتر باید امکان این موضوع را با روش های متقابل به منظور ارزیابی توافق بین والدین و نوجوانان در کشور های مختلف در نظر بگیرند. به طور خلاصه، این مطالعه در تلاش برای مقایسه یک کشور اسکانندیناوی، یعنی سوئد و دو کشور مدیترانه ای یعنی ایتالیا و یونان، سعی می کند تا به غنای مطالعات مربوط به سبک های تربیتی کمک کند و نشان می دهد که چگونه قوانین کشوری در خصوص موضوعات خانواده و SES با رفتار های والدین ارتباط دارد (بلسکی 1984، برونفبنی 1979، 1986، گارابرینو و همکاران 2002). به علاوه، در سرتاسر انتخاب ارزیابی سبک های تربیتی با PSQD (رابینسون و همکاران 1995، 2001، تاگلبا و همکاران 2014)، ما شانس ارزیابی هر دو سبک های تربیتی مادری و پدری را داشتیم، موضوعی که در مطالعات گذشته از آن غفلت شده است.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی